



جیمز فولی درگذشت

جیمز فولی، کارگردان سرشناس آثار نوآر و مهیج، پس از یک سال مبارزه با بیماری در ۷۱ سالگی چشم از جهان فرو بست. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، فولی در طول دوران کاری اش با ستارگانی چون شان پن، مدونا، آل پاچینو و هالی ببری همکاری کرد و در ساخت آثار مملو از فضای دزدی پرتنش و نزدیک به سبک نوآر تخصص داشت. نخستین فیلم بلند او در سال ۱۹۸۴ ساخته شد؛ درام موزیکال عاشقانه‌ای به نام «بی احتیاط» با بازی داریل هانا و آیدن کوئین. او در ادامه «از نزدیک» را با بازی شان پن و کریستوفر واکن کارگردانی کرد؛ فیلمی نئونوار که ترانه‌ای معروف از مدونا را نیز در خود داشت. «گلن گری گلن راس»، بدون شک یکی از برجسته‌ترین آثار فولی است؛ اقتباسی از نمایشنامه دیوید ممت که برای آل پاچینو نامزدی اسکار و جایزه گلدن گلوب را به همراه داشت. او همچنین کارگردانی ۱۲ قسمت از سریال سیاسی و معروف «خانه پوشالی» با بازی کوین اسپسی را برعهده داشت.



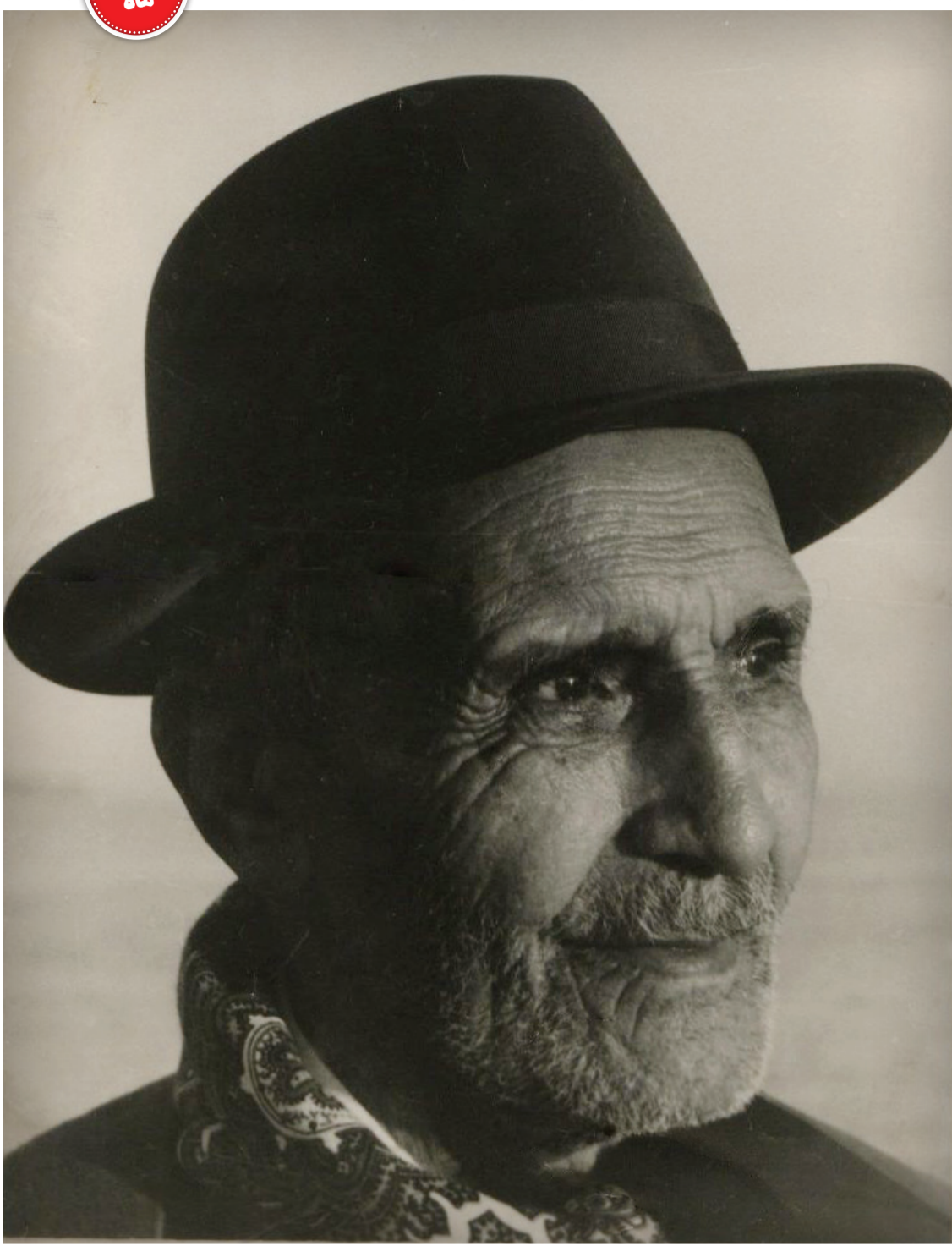
نگرانی رسول صدرعاملی از وضعیت سینما

رسول صدرعاملی هم‌زمان با اکران فیلم جدیدش «زیبا صدایم کن»، از وضعیت سینمای ایران ابراز نگرانی کرد. او گفت که تولید فیلم به دست سینماداران افتاده و این روند به سینمای اندیشمند آسیب می‌زند. صدرعاملی با اشاره به موانع فیلم‌سازی در ایران گفت: «سینمای ایران هیچ‌گاه صاحب واقعی نداشته و استودیوها و تهیه‌کنندگان قدرتمند شکل نگرفته‌اند.» او ادعا کرد که سینما به «شوهای تلویزیونی» تبدیل شده و تأکید کرد که این آثار فاقد روایت تأثیرگذار و ارتباط عمیق با مخاطب هستند. صدرعاملی افزود: «بسیاری از فیلم‌سازان مانند کیومرث پوراحمد و علیرضا داوودنژاد به دلیل شرایط نامناسب از فیلم‌سازی محروم شدند.» به گفته صدرعاملی فقر مالی سینمای ایران مانع از این شده که سینمای ایران، جهان‌راستخیز کند. چرا که داستان‌های ناگفته بسیاری در سرزمین ایران وجود دارد. صدرعاملی تأکید کرد که فروش‌های چندصدهمیلیاردی نباید معیار موفقیت باشد و سینمای متفکر ایران نیازمند حمایت است تا از نابودی نجات یابد.



درگذشت عباس خان مختاری

عباس خان مختاری، بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون در ۸۱ سالگی در زادگاهش آستارا درگذشت. عباس مختاری متولد ۱۳۲۳ در آستارا، بازیگری را از سال ۱۳۵۱ در ۲۸ سالگی با فیلم «ستار خان» آغاز کرد و در بیش از ۲۰۰ فیلم در سینمای ایران حضور داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به: «طلسم شدگان» (۱۳۸۳)، «فریاد زیر آب» (۱۳۵۶)، «بازرس ویژه» (۱۳۶۱)، «کمال الملک» (۱۳۶۲)، «بالاش» (۱۳۶۲)، «سلام سرزمین من» (۱۳۶۷)، «آخرین مهلت» (۱۳۶۸)، «حمله خرچنگ‌ها» (۱۳۷۱)، «راز چشمه سرخ» (۱۳۷۱)، «می‌خواهم زنده بمانم» (۱۳۷۳) و... اشاره کرد. علی درمانی، فرماندار شهرستان مرزی بندر آستارا در حاشیه تشییع پیکر مرحوم عباس خان مختاری گفت: «امروز شهرستان آستارا را با فرهنگ و هنر دیرینه‌اش می‌شناسند و خوشبختانه در این راستا افراد مهم و تأثیرگذاری نقش خود را به درستی ایفا کردند که یکی از آن‌ها مرحوم عباس خان مختاری بود.»



دوام آواز

نگاهی به زندگی شخصی و حرفه‌ای عبدالله دوامی موسیقی‌دان، ردیف‌دان و استاد برجسته موسیقی سنتی ایران



سوسن سیرجانی
خبرنگار گروه فرهنگ

امروز سالگرد درگذشت عبدالله دوامی است؛ کسی که بسیاری از موسیقیدان‌ها و اساتید آواز معتقدند، اگر او نبود، میراث بزرگی از ردیف‌های موسیقی سنتی به نسل‌های بعد منتقل نمی‌شد. دوامی ردیف‌دان آوازی بود و تبحر در نواختن تنبک داشت. اما به دلیل شخصیت گوشه‌نشین و منزوی اش، بیشتر اطلاعاتی که درباره زندگی او وجود دارد، از شاگردان و دوستان صمیمی اش که اجازه حضور در محضر او را داشتند، به امروز رسیده. معمولاً به سختی شاگرد قبول می‌کرد، اما شاگردانش بعد از تمام شدن درس، دیگر خود استاد موسیقی سنتی بودند. خاطرات پراکنده‌ای از محمدرضا شجریان، محمدرضا لطفی، فرامرز پایور، روح‌الله خالقی و نورعلی خان برومند، در مواجهه با عبدالله دوامی به عنوان استاد خود، در کتاب‌ها و مقالات مختلفی وجود دارد. با تلاش همین شاگردها هم بود که ردیف آوازی به نام عبدالله خان دوامی در تاریخ موسیقی سنتی ایران به ثبت رسید. علاوه بر زندگی موسیقایی، داستان زندگی پرفرازونشیب دوامی هم از نکات مهم درباره این چهره است که از دید عموم مردم مغفول مانده است.

تولد در روستا تا آشنایی با درویش خان

روستایی در نزدیکی شهرستان تفرش وجود دارد به نام طاد، این روستا را زادگاه حکیم نظامی می‌دانند. در سال ۱۲۷۰ شمسی، یعنی همان سال که پس از اعتراضات مردمی و علما و تحریم تنباکو، قرارداد تالپوت لغو شد، پسری در این روستا در یک خانواده مرفه به دنیا آمد که نام آن را عبدالله گذاشتند. عبدالله پسر ابوالقاسم خان دوامی و از ملاکین طاد بود و دوست داشت فرزندش درس خوانده باشد. در مکتب‌خانه روستا یک سالی عبدالله در کنار سایر بچه‌ها درس خواند، اما پدر او را در ۸ سالگی به تهران فرستاد. عبدالله از همان دوران کودکی به تصنیف‌خوانی علاقه داشت و با ساز و آواز بیگانه نبود. او تازه به سن نوجوانی داشت قدم می‌گذاشت که یک مهمانی مسیر زندگی اش را تغییر داد. شاپور بهروزی در کتاب «چهره‌های موسیقی ایران» از قول خود عبدالله دوامی ماجرای این مهمانی را نقل کرده: «کشش من به سوی موسیقی به این صورت شروع شد که شبی به منزل میرزا تقی خان مجدالممالک (یکی از چهره‌های سیاسی شناخته‌شده تهران در دوران قاجار) که از آشنایان من بود، رفته بودم. در آن جا شروع به خواندن کردم. در این مجلس علی‌خان نایب‌السلطنه که از خوانندگان بنام بود، حضور داشت. پس از شنیدن آواز من را تشویق کرد و گفت: «اگر شما به این کار ادامه بدهی خواننده خوبی خواهی شد.» من از این گفته دلگرم شدم و اولین مشق را که شور بود، نزد علی‌خان شروع به آموختن کردم.»

بعد از آن دوران دیگر عبدالله غرق در شغف یادگیری آواز، آرام‌آرام با دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی ایرانی آشنا شد. ۱۲ ساله که بود، باید وارد دوران دبیرستان می‌شد. در آن روزها دبیرستانی تازه تاسیس در تهران افتتاح شده بود که بسیاری از افراد مشهور و سیاستمداران، فرزندان خود را به آنجا می‌فرستادند؛ دبیرستانی به نام «تربیت». مدرسه‌ای در نزدیکی دروازه قزوین که باید به‌سختی درس می‌خواند تا از دیگر دانش‌آموزان عقب نماند. در مدرسه تربیت دوستی عمیقی میان عبدالله و یکی از همکلاسانش شکل گرفت. این دوست نامش رکن‌الدین بود و می‌گفتند، فرزند محمدرکیم‌خان مختارالسلطنه، فرماندار تهران است. البته رکن‌الدین چندسالی از عبدالله بزرگ‌تر بود و احتمالاً یکی از آنها در درس پیش‌تر یا کندتر بود که همکلاس شده بودند. این دوستی تأثیر عجیبی بر زندگی دو دوست گذاشت. موسیقی کار خودش را کرده بود. رکن‌الدین شیفته کمانچه‌نوازی بود و عبدالله عاشق آواز. در همان محافل و دوره‌های بود که هر دو با درویش خان آشنا شدند. بعدتر رکن‌الدین از کمانچه به ویولن تغییر ساز داد و عبدالله برای اینکه آوازش را با موسیقی همراه کند، شروع به یادگیری تنبک کرد. درویش خان در آن دوران در انجمن اخوت که مربوط به درویش صفایی بود، ارکستری را تشکیل داده بود و رکن‌الدین و عبدالله دوامی هم در آن مشغول بودند. همه چیز برای یک نوجوان عاشق موسیقی فراهم بود و عبدالله داشت در موسیقی پیشرفت می‌کرد که محمدعلی‌شاه قاجار مجلس را به توپ بست. این اتفاق تا مدت‌ها باعث توقف گروه‌های موسیقی شد.

سفر به اروپا و ضبط صفحه موسیقی

انقلاب مشروطه در تیرماه ۱۲۸۸ که به پیروزی رسید، دوباره شرایط برای گروه‌های موسیقی فراهم شد و ارکسترهای انجمن اخوت هم پا گرفتند. دیگر عبدالله هم دبیرستان را به اتمام رسانده بود و در اداره پست مشغول به کار شد. بحث ضبط صفحه و موسیقی سنتی ایرانی از پیش از انقلاب مشروطه در ایران مطرح بود. به دعوت مظفرالدین‌شاه و به دلیل علاقه او به گرامافون، شرکت ضبط صفحه‌ای هم به ایران آمده بود و چند کار در تهران ضبط شد. اما آنچنان حرفه‌ای و مورد قبول نبود. در سال ۱۲۸۸ یک دعوت یک شرکت اروپایی، درویش خان و چند نوازنده دیگر برای ضبط صفحه به اروپا رفتند. اما در دور دوم دعوت از درویش خان و گروهش برای ضبط صفحه در آلمان در سال ۱۲۹۳، این استاد به دوشاگرد خود یعنی عبدالله دوامی و رکن‌الدین مختاری هم پیشنهاد داد که در این سفر همراه گروه باشند. اما هر دووی آنها حالا شغل دولتی داشتند. رکن‌الدین که مامور نظمیه شده بود، نتوانست اجازه سفر را کسب کند، اداره پست به عبدالله هم اجازه نداد و حتی مطربی را برای یک کارمند دولتی امری قبیح می‌دانست. اما عبدالله موسیقی را بر کارش ترجیح داد و از اداره پست استعفا داد. خود عبدالله درباره این اتفاق و سفرش به اروپا گفته: «کارم را رها کرده به اتفاق مشیر همایون، طاهرزاده، اقبال السلطنه، باقر خان و درویش خان عازم اروپا شدم. ورود ما به بادکوبه مصادف با جنگ جهانی اول بود و اروپا به خصوص برلین در آتش خاמן برانداز جنگ می‌سوخت. در همین گیر و دار بود که از بنگاه صفحه‌کرنی، تلگرافی دریافت داشتیم که از حرکت به برلین خودداری کرده، در عوض به تقلیس برویم. ما هم رفتیم. در تقلیس هریک ۱۰۰ صفحه پرکردیم که متاسفانه به واسطه اوضاع مغشوش ناشی از جنگ، صفحه‌ها هرگز به تهران نرسید.»

عبدالله دوامی بعد از بازگشت‌اش از سفر اروپا به اداره مالیه رفت. او از همان سال تا پایان بازنشستگی در این اداره ماند. اما همیشه موسیقی برایش اهمیت داشت. با اینکه در ۲۳ سالگی دیگر به چهره‌ای شناخته‌شده در تصنیف‌خوانی و تنبک‌نوازی تبدیل شده بود، اما باز هم دست از یادگیری برنداشت. حسین خان کمانچه‌کش و میرزا حسنگلی خان از اساتید برجسته موسیقی آن دوران بودند که در کنار درویش خان، عبدالله سعی می‌کرد از آنها یادبگیرد. اما کلاس‌های موسیقی آن سال‌ها به‌شکل الان نبود. آنها محافل انسی داشتند که در آن می‌نواختند و مطالب را به دوستداران منتقل می‌کردند. همین حضور در کنار این افراد و علاقه عبدالله به تصنیف‌خوانی او را به یکی از مطلع‌ترین چهره‌های تصنیف‌خوانی در موسیقی سنتی ایران تبدیل کرد.

روح‌الله خالقی در کتاب «سرگذشت موسیقی ایران» درباره قدرت تصنیف‌خوانی دوامی نوشته: «درگذشته رسم بر این جاری بود که اشخاصی که دستگاه‌دان و آوازخوان کامل بودند، خواندن تصنیف را دون از شأن خود می‌دانستند و آنان که صدای ضعیف‌تری داشتند، در خواندن تصنیف و آوازهای ضربی علاقه بیشتری نشان می‌دادند و در این فن ورزیده می‌شدند و برای اینکه به وزن خوب آشنا شوند، ضمن خواندن تصنیف به نواختن تنبک‌نیزی پرداختند؛ فی‌المثل رسم بود که می‌گفتند حسین طاهرزاده دستگاه‌دان و آوازخوان یا عبدالله دوامی وزن شناس و تصنیف‌خوان است. هر چند تصنیف‌خوانی چون او که به ردیف و آواز کاملاً آشنایی و تسلط داشت، مثل تصنیف‌خوان‌های امروزی نبود که از خواندن آواز عاجز باشند. او استعداد خاصی در پروراندن گوشه‌های آواز دارد؛ چنان که برخی تکه‌ها را هم که خواندندش مرسوم نیست و تنها در موقع نواختن ردیف به کار می‌رود، به وضع خوشی می‌سراید؛ از جمله گوشه‌ای است